

تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی

علی درخش *

خالد اصلانی **، امین کرایی ***

چکیده

ازدواج سالم و موفق، نقش بنیادین در تشکیل خانواده سالم ایفا می‌کند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، تدوین الگوی ازدواج موفق است. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از نظریه داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه زوج‌های شهر یاسوج که حداقل دارای ۵ سال زندگی مشترک می‌باشند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند آزمودنی‌ها انتخاب شدند و تا رسیدن به اشباع نظری، در نهایت ۲۶ نفر (۱۳ زوج) دارای ازدواج موفق مورد مصاحبه نیمه ساختار یافته قرار گرفته و با استفاده از روش مقایسه‌ای مداوم استراوس و کوربین مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد حرکتی در جهت نگهداری و تداوم زندگی به عنوان مقوله مرکزی و همسرگزینی آگاهانه به عنوان شرایط علی و شرایط میانجی در پنج سطح فردی، زوجی، خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و والدینی طبقه بندی و ارائه شد. راهبردهای حل تعارض نیز در دو سطح راهبردهای حل تعارض زوجی و خانوادگی تقسیم شد. در نهایت پیامد مقوله مرکزی که رضایتمندی از زندگی است توضیح داده شد. ارائه مدل ازدواج موفق می‌تواند به عنوان الگو و مسیری برای زوج‌ها باشد و برای روانشناسان و مشاوران ازدواج مثر و واقع‌شود و سرانجام به سلامت جامعه کمک کند.

کلیدواژه‌ها: الگو، ازدواج موفق، رضایتمندی از زندگی، پژوهش کیفی.

* دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران،
aliderakhsh755@gmail.com

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
** مدرس مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، Email: kh.aslani@scu.ac.ir

*** استادیار، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، Am.koraei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

۱. مقدمه

مرحله تشکیل خانواده ازدواج (marriage) اولین و مهمترین مرحله در سیکل زندگی خانوادگی می باشد و در آن انتخاب همسر صورت می گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. (Carr, Freedman, Cortman & Schwarz, 2003). ازدواج یکی از مهمترین نمونه‌های روابط بین فردی است که اکثر افراد بزرگسال آن را تجربه می‌کنند. ازدواج و روابط زناشویی سالم، مزایایی را هم برای جامعه و هم افراد و خانواده‌ها ایجاد می‌کند (Killawi, Daneshpour, Elmi, Dadras & Hamid, 2014).

ازدواج، موضوعی نیست که فقط مربوط به دو فرد باشد، بلکه به عنوان یک رویداد، به خانواده و جامعه هم مربوط می شود. عناصر تشکیل دهنده ی یک ازدواج موفق، عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از یکدیگر و با هم بودن است. ارتباط مؤثر، شرط لازم برای سلامت روانی و عاطفی، شادی و ثبات زناشویی است. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زناشویی است. زن و شوهر، زمانی به رضایتمندی می رسند که به اندازه ی کافی در ارتباط شان با یکدیگر صمیمی و در حل مشکلاتی که در زندگی شان به وجود می آید، با یکدیگر همکاری کنند (Esere, Yeyeodu, & Oladun, 2014) موضوعی که نیازمند رشد فردی است (Nazare, Fonseca, Gameiro & Canavarro, 2011). از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می دانیم، پس هر فردی نتیجه یک ازدواج است که می توان آن را موفق یا ناموفق نامید. (Segrin, C. & Flora, 2005). ازدواج موفق (successful marriage) معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی باهم به کار می روند. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا بوده و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند (برادباری وات ال، ۲۰۰۰). اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده، کمتر پژوهشی درباره ازدواج‌های موفق و پایدار تمرکز کرده است و بیشتر پژوهشگران بر عوامل ازهم پاشیدن ازدواج‌ها متمرکز شده اند (Nimtz, 2011). پژوهشها نشان می دهد که افراد با رضایتمندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه در سنجش با کسانی که زندگی زناشویی ناسازگاران‌های دارند، بیشتر عمر می کنند (کپلر، ۲۰۱۵، به نقل از کرای، ۱۳۹۵). از سلامت بدنی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شوبی، ۲۰۱۷، به نقل از کرای، ۱۳۹۵) و برای فرزندان‌شان پدر و مادر بهتری هستند (گریچ و فینچام، ۱۹۹۰، به نقل از کرای، ۱۳۹۵).

مطالعه کیفی (Ingram, 201) روی زوجهای موفق آمریکایی که حداقل ۱۵ سال از ازدواج آنها می گذشت، نشان داد این زوجها در فرایند زندگی انعطاف پذیرند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می دهند، به تفاوت و شباهتهای یکدیگر توجه دارند، روابط جنسی رضایت بخشی دارند، به مدیریت مسائل مالی و حل تعارض اهمیت می دهند و ارزشهای همخوانی دارند. در پژوهشی مشابه روی ۱۵ زوج راضی از ازدواج که حداقل ۱۰ سال از ازدواج آنها گذشته بود، نتایج نشان داد که این زوجها نسبت به هم متعهدند، از باورهای مذهبی مشترکی برخوردارند، به صمیمیت توجه دارند و از مهارتهای ارتباطی همچون خودافشایی، گوش دادن و بیان نظرات و احساسات برخوردارند (روزیبلت و همکاران، ۱۹۹۹ به نقل از خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳). در پژوهش باچاند و کارون (Bachand & Caron, 2001) در مورد ۱۵ زوج با ازدواج پایدار، عوامل زیر شناسایی شده است که به نظر زوجین، عوامل کمک کننده به دیرپایی و رضایتمندی در ازدواج بود: دوستی و عشق، احترام (Respect) و احساس قدردانی (feeling appreciated)، اعتماد و وفاداری (Trust and Fidelity)، ارتباط خوب (Good Communication)، ارتباط جنسی خوب (Good Sexual relations)، ارزشهای مشترک (Shared Values)، همکاری و حمایت متقابل (Cooperation and Mutual Support)، لذت بردن از زمان مشترک (Enjoyment of Shared time)، توانایی انعطاف پذیری هنگام رویارویی با تغییر و حسی از معنویت، باور به نهاد ازدواج و فرض بقا ازدواجهای پایدار را توصیف می کند. دانانوان (2004) نیز نشان داد که وجود رفتارهایی مانند شوخ طبعی، شناخت فرهنگ طرف مقابل، ارتباط، حمایت، آمادگی شخصی، کار بر روی اهداف مشترک و نگرش های مذهبی مشابه باعث ماندگاری ازدواج و رضایتمندی آن ها در طول زمان شده است.

فنل (Fenell, 1993)، نیز نشان داد ده مؤلفه تأثیرگذار بر پایداری ازدواجهای موفق عبارتند از: تعهد به روابط زناشویی در طول زندگی، وفادار ماندن به همسر، ارزشهای اخلاقی محکم، احترام به همسر، وفاداری و تعهد جنسی، والد خوب بودن، داشتن ارزشهای مذهبی، حمایت و لذت دوطرفه، هماهنگی و همدمی باهمسر، توانایی عفو و گذشت و مورد گذشت واقع شدن.

پژوهشهای داخل نیز به بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج رضایتمند و رضایتمندی زناشویی پرداخته اند. کرایبی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی کمی عواملی نظیر شیوه ارتباط، حل تعارض مناسب، حمایت، توجه، احترام، قدردانی از یکدیگر، ویژگیهای

شخصیتی، مسئولیت‌پذیری، صمیمیت و کیفیت رابطه جنسی، کیفیت زندگی مشترک، گذراندن وقت و تفریحات، همخوانی زوجین، انعطاف‌پذیر بودن، تعهد و وفاداری، داشتن ارزشها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک و مسائل مالی و شغلی را در ازدواج‌های پایدار رضایتمند مؤثر دانسته‌اند.

در پژوهش کیفی کریمی ثانی و همکاران (۱۳۹۱: ۱۲۱) عوامل ازدواج موفق شامل ۵ طبقه اصلی بود:

۱. عوامل ارتباطی (شامل زیر طبقات بعد اخلاقی ارتباط، تعامل منطقی، بعد عاطفی و بعد اعتمادی)

۲. عوامل فردی و شخصیتی (شامل زیر طبقات اجتماعی بودن، مهربان بودن، صبور و باگذشت بودن، انعطاف‌پذیری، وجدانی بودن و متعهد بودن و اعتماد به نفس)

۳. عوامل خانوادگی (شامل زیر طبقات فرهنگ خانواده، شناخت کافی از خانواده همسر، تعهد فرد نسبت به خانواده)

۴. عوامل اخلاقی و معنوی (شامل زیر طبقات صداقت، ایمان و تشابه مذهبی، احترام متقابل، اخلاق نیکو و مسئولیت‌پذیری)

۵. عوامل فرهنگی - اجتماعی شامل (زیر طبقات وضعیت اقتصادی، آداب، رسوم و مذهب و ارزشها و تحصیلات). در ازدواج‌های امروزی در غرب، افراد برای عشق، شادی و کامروایی شخصی با همدیگر ازدواج می‌کنند. آنها در جستجوی چیزی بیش از محیط مولد هستند و تعریف خانواده، خانواده قانونی معمول، همجنس‌گراها، خانواده‌های تک‌والدی و خانواده‌های ترکیبی را شامل می‌شود (Dung Le, 2008).

از آنجا که تعمیم نتایج یک پژوهش از یک بافت فرهنگی به بافت فرهنگی دیگر مشکل است و عوامل ازدواج موفق و خوشبخت نیز در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است (Fatima & Ajmal, 2012)، همچنین با توجه به بافت نگرش تحقیقات کیفی (کرسول، ۲۰۱۳)، به نقل از خجسته مهر و محمدی (۱۳۹۵) توجه پژوهشگران به ملاحظات فرهنگی در ساختار ازدواج ضرورت دارد. لذا این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی گراند تئوری با هدف شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های موفق به منظور ارائه الگویی از ازدواج‌های موفق در فرهنگ ایرانی می‌باشد.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و به منظور جمع آوری داده‌ها از نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در این پژوهش محقق علاقه مند به تولید نظریه، مدل و یا چهارچوب مفهومی است، به خصوص زمانی که در زمینه پدیده مورد مطالعه اطلاع کافی وجود ندارد. این رویکرد یک روش‌شناسی عمومی برای توسعه نظریه براساس گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها بوده و در طول فرایند تحقیق ساخته و پرداخته می‌شود (Struss & Corbin, 1990).

جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه زوج‌های شهر یاسوج که رضایت بالایی از ازدواج خود داشتند و معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند. این معیارها در پژوهش حاضر عبارت بودند از حداقل ۵ سال و حداکثر بیست سال از مدت زمان ازدواج‌شان سپری شده باشد. تنها یک بار ازدواج کرده باشند و رضایت بالایی از زندگی‌شان داشته باشند و دارای حداقل یک فرزند باشند و داوطلب شرکت در تحقیق بودند. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی، از زوج‌ها برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته شد و راجع به اهداف پژوهش حاضر، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات مطرح شده در جلسات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد. بدین ترتیب مصاحبه شونده از آزادی نسبی برای آنچه در زندگی او و همسرش وجود داشت برخوردار بود پژوهشگر سعی می‌کرد موارد مهم را با دقت بیشتری دنبال نماید. پس از انجام هر مصاحبه فایل ضبط شده آن مصاحبه روی کاغذ پیاده می‌شد و با استفاده از فنون ذکر شده توسط استراس و کوربین، تحلیل سطر به سطر انجام شده و کدهای به دست آمده ثبت می‌شد. پس از تحلیل مجدد و دسته‌بندی کدهای بدست آمده مقوله‌های کلی در ذهن پژوهشگر شکل گرفته و در ادامه مصاحبه‌ها، هدف پژوهشگر کامل کردن و اشباع آن مقوله‌ها بود. مصاحبه‌ها تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۶ نفر (۱۳ زوج) که دارای ازدواج موفق بودند مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تعیین قابلیت اطمینان و کفایت داده‌ها از سه روش استفاده شد.

۱. کنترل و اعتبار یابی توسط گروه نمونه: در این روش مصاحبه های ضبط و ثبت شده برای اطمینان بیشتر به مصاحبه شوندگان ها بازگشت داده می شد تا از صحت اطلاعات ارائه شده، پژوهشگر را مطلع سازند.
۲. استفاده از نظارت همکاران متخصص: در این روش، دو نفر از متخصصان به عنوان داور، بخشی از مصاحبه ها را مورد تحلیل قرار داده و تحلیل های آنها با تحلیل های پژوهشگر، مقایسه شده و در نهایت توافق کلی حاصل گردید.
۳. مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده های خام مقایسه و ارزیابی شود.

۳. یافته‌ها

مجموعاً ۲۶ نفر، ۱۳ زوج مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختارمند قرار گرفتند که ویژگی فردی مصاحبه شوندگان در جدول (۱) نشان داده شده است. لازم است یادآوری شود که برای اینکه هویت شرکت کنندگان در پژوهش فاش نشود نام و نام خانودگی آنها نیامده است و با نام مستعار ذکر شده اند.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

نام مستعار	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزند	تحصیلات	شغل
آقای شماره ۱	۴۲	۲۰	۴	زیر دیپلم	کارمند
خانم شماره ۱	۴۰			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۲	۴۲	۱۲	۳	فوق لیسانس	کارمند
خانم شماره ۲	۳۸			فوق لیسانس	کارمند
آقای شماره ۳	۴۲	۱۷	۳	دیپلم	کارمند
خانم شماره ۳	۴۰			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۴	۴۱	۱۷	۲	دکتری	مدرس دانشگاه
خانم شماره ۴	۳۹			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۵	۴۱	۱۷	۳	لیسانس	پاسدار
خانم شماره ۵	۳۸			دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۶	۳۱	۸	۱	دیپلم	راننده

خانم شماره ۶	۲۶			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۷	۴۰	۱	۷	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۷	۲۷			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۸	۴۰	۲	۱۵	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۸	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۹	۳۶	۲	۱۳	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۹	۳۵			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۰	۳۴	۱	۵	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۰	۳۳			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۱	۴۴	۴	۱۸	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۱	۳۸			زیر دیپلم	خانه دار
آقای شماره ۱۲	۳۲	۲	۶	لیسانس	کارمند
خانم شماره ۱۲	۲۸			لیسانس	خانه دار
آقای شماره ۱۳	۴۱	۲	۱۷	دکتری	کارمند
خانم شماره ۱۳	۴۰			فوق لیسانس	کارمند

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود، از میان ۱۳ زوج شرکت کننده، ۵ نفر دارای تحصیلات در مقطع زیر دیپلم، ۶ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۱۰ نفر دارای تحصیلات لیسانس، ۳ نفر دارای تحصیلات فوق لیسانس، ۲ نفر دارای تحصیلات در مقطع دکتری بودند. در زمینه شغل ۱۱ نفر از خانمها خانه دار بودند ۲ نفر کارمند و شغل مردان ۱۰ نفر دارای شغل کارمندی، ۱ نفر راننده، ۲ نفر مدرس دانشگاه بودند. و دو زوج دارای ۴ فرزند، سه زوج دارای یک فرزند، پنج زوج دارای دو فرزند، سه زوج دارای سه فرزند، بودند. همان طور که جدول نشان می دهد طول مدت ازدواج زوجین از ۵ سال تا ۲۰ سال در نوسان بود. که میانگین مدت ازدواج زوجین ۱۳ سال می باشد. میانگین سنی افراد شرکت کننده در مصاحبه ۳۶ سال می باشد.

۱.۳ شرایط علی چگونگی شکل گیری ازدواج

در رویکر نظریه داده بنیاد استراوس و کوربین به منظور ارائه مدل پارادایمی به ارائه شرایط علی، شرایط زمینه ای، راهبردها و پیامد پرداخته می شود. شرایط علی در این تحقیق

چگونگی شکل‌گیری ازدواج بوده است. این مقوله شامل عشق و علاقه اولیه، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل، انتخاب آگاهانه، استقلال نسبی در زمان ازدواج بود.

۱.۱.۳ عشق و علاقه اولیه

زوج‌های حاضر در تحقیق بیان نمودند که در اولین آشنایی شان برای همدیگر جذابیت خوبی داشتند که باعث علاقه مند شدن آنها به همدیگر شده است. خانم شماره ۳: اولین بار که دیدمش دوستش داشتم، علاقه عجیبی بهش پیدا کردم که برایم خیلی جالب بود.

۲.۱.۳ استقلال نسبی

زوجین موفق باید از لحاظ روانشناختی به مرحله ای از رشد رسیده باشند تا بتوانند در زندگی موفق باشند. خانم شماره ۱۳: من ۲۴ ساله بودم که ازدواج کردم، کارمند بودم و شوهرم هم کارمند بود و کار کرده بودیم.

۳.۱.۳ آشنایی پیش از ازدواج

زوجین شرکت‌کننده در تحقیق بیان داشتند که قبل از ازدواج همدیگر را می‌شناختند و این شناخت معمولاً از طرق مختلفی به دست آمده بود. از راه خویشاوندی، هم‌محله ای بودن، همکاری بودن. خانم شماره ۱: ما از کودکی همدیگر را می‌شناختیم، آخه شوهرم پسر عمه‌ام است و همسایه بودیم. با خودش و خانواده اش کاملاً شناخت داشتم و همین شناختی که از قبل داشتم خدا را شکر الان باعث شده که زندگی خوبی داشته باشیم و مثل خیلی از ازدواج‌های امروزی نیست که به دلیل نداشتن شناخت از همدیگر به راحتی از هم جدا می‌شوند.

۴.۱.۳ انتخاب آگاهانه

زوجین موفق شرکت‌کننده بیان می‌نمودند که ازدواج شان از روی آگاهی و شناخت بوده و هیچ تحمیل و اجباری در کار نبوده است. خانم شماره ۵: من خودم همسرم را انتخاب کردم وقتی که خانواده اش که باهم فامیل هم هستیم، از من خواستگاری کرد من دبیرستان می‌خوندم خانواده ام راضی بودند و من چون ایشان را می‌شناختم و باز هم تحقیق کردم از همه لحاظ خوب بودند، آگاهانه پذیرفتم.

۵.۱.۳ انتخاب همرا با میل

زوجین موفق بیان نمودند که ازدواج شان از روی میل و رغبت بوده است و از آزادی و اراده کامل در انتخاب همسر برخوردار بودند. خانم شماره ۴: وقتی که همسر من خواستگاری کرد من با میل و رغبت ایشان را پسندیدم. تازه دیپلم گرفته بودم و خدا را شکر خانواده ام هم به نظر ما بهاء می داد و مثل بعضی از خانواده ها که اصلاً به نظر فرزندان بهاء نمی دهند خانواده ما به این مسائل اهمیت می دهند.

۲.۳ شرایط میانجی

شرایط میانجی در این تحقیق در سطح (ویژگی های شخصی زوجین، عوامل تعاملی زوجین، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل فرهنگی- اجتماعی و عوامل والدینی) طبقه بندی شده اند.

۱.۲.۳ ویژگی های شخصی زوجین

شرکت کننده در این تحقیق برخی ویژگی های شخصی خود را که در نگهداری و حفظ رابطه شان مؤثر می دانستند بیان نمودند که عبارتند از خودآگاهی (آگاهی از نیازهای شخصی، آگاهی از توانمندیها و محدودیت های خود، آگاهی داشتن نسبت به اهداف و خواسته های خود) دلسوز بودن و مهربانی (مهربان بودن با همدیگر، چشم پوشی از خطاهای همدیگر، از خود گذشتگی) مسئولیت پذیری (انجام درست وظایف خود و خانواده، احساس مسئولیت در برابر همسر، احساس مسئولیت در برابر خانواده، به وظایف خود عمل کردن، آگاهی داشتن از وظایف و مسئولیتهای خود در زندگی) انعطاف پذیری (ایجاد تغییر در خود متناسب با مراحل زندگی، آمادگی برای تغییر در مواقع ضروری، تغییر و تعدیل دیدگاههای شخصی به نفع زندگی زناشویی) صداقت (دروغ نگفتن به یکدیگر، روراست بودن در امور مختلف زندگی و مشکلات روزمره، صداقت در مسائل مالی، عدم تلاش برای فریب همسر) خوش بینی (داشتن نگرش مثبت نسبت به زندگی داشتن انگیزه و امید نسبت به زندگی، امیدواری، اعتقاد به اینکه مشکلات حل می شوند) پختگی هیجانی (آگاهی از عواطف و توانایی کنترل احساسات، ثبات هیجانی، توانایی ابراز عواطف، تسلط کافی بر هیجانات).

در این زمینه، خانم شماره ۱۳ می‌گوید: من آدم مسئولیت‌پذیری هستم. چون من شاغل هستم هم در قبال شغلم و هم در قبال همسر و هم در قبال فرزندانم مسئولیت دارم. خدا را شکر الان که ۱۷ سال از ازدواج مان می‌گذرد تونستم مسئولیت‌های خود را به نحو احسن ایفا کنم.

۲.۲.۳ عوامل تعاملی زوجین

دومین عامل میانجی در این تحقیق، سیستم زوجی کار آمد بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است.

۱. عشق و تعلق خاطر (دوست داشتن همسر، ابراز عشق کلامی و غیرکلامی، علایق مشترک، گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر، اختصاص دادن زمان بیشتر برای باهم بودن، دوستی باهم، صمیمیت)

۲. اطمینان بخشی (وفادار بودن نسبت به همدیگر، شک نداشتن به همدیگر، بی‌زاری و دوری از افکار خیانت‌آمیز، تعهد و احترام به رابطه زناشویی)

۳. درک متقابل (تفاهم در تربیت فرزندان، تصمیم‌گیری مشترک، احترام به نقطه نظرات یکدیگر، تفاهم در مورد مسائل مالی). آقای شماره ۴: همسر من به خانواده ام خیلی محبت کرده در بین خانواده من احترام خاصی دارد. من هم به خاطر محبت‌هایش سعی می‌کنم همیشه بهش احترام بگذارم و رضایت ایشان را جلب کنم به خانواده اش احترام می‌گذارم.

۴. رضایت جنسی (تلاش برای جلب رضایت جنسی همسر، احترام به خواسته‌های جنسی همدیگر، اهمیت دادن به مسائل جنسی، صحبت کردن در مورد این رابطه، اشتراک نظر در زمینه روابط جنسی). در ازدواج‌ها موفق رابطه‌ی جنسی می‌تواند تضمینی برای افزایش عشق و دوستی بین زوج‌ها باشد. زوج‌ها با ازدواج‌های طولانی مدت رضایت‌مند، رابطه‌ی جنسی را عامل صمیمیت می‌دانند و در رابطه‌ی جنسی هم خود و هم همسرشان لذت می‌برند. ابراز عشق از طریق رابطه‌ی جنسی، نه تنها در ابتدای ازدواج، بلکه در سراسر زندگی مشترک اهمیت دارد.

۵. مشارکت و همکاری (کمک کردن به همدیگر در کارهای منزل، کمک به همسر در زمینه شغلی، کمک به همسر در انجام وظایف زندگی، کمک به همسر در مسائل اقتصادی)

۶. ارتباط مؤثر (توجه به حرف های طرف مقابل، پرهیز از کنترل کردن همدیگر، تحقیر و سرزنش نکردن همدیگر، توی حرف همدیگر نپردن، گفتگوی منطقی، گفتگوی باز، رک و صریح بودن در ابراز خواسته ها، مقایسه نکردن، احترام در حضور جمع) خانم شماره ۱۲: به حرف های هم دیگر گوش می دهیم، می توانم بگویم گفت و گوهایمان خیلی لذت بخش است، موقع صحبت کردن با هم دیگر کاملاً حواسمان به همدیگر است، خلاصه راحت می توانیم با هم حرف بزنیم.

۷. تصمیم گیری درست (مشورت گرفتن از هم دیگر، توجه به توصیه های یکدیگر) خانم شماره ۶: شوهرم بدون اجازه من و مشورت من کاری را انجام نمی دهد. من هم همیشه قبل از اینکه کاری انجام دهم نظر شوهرم را می پرسم. اگر ایشان موافق بود آن کار را انجام می دهم.

۸. ایفای نقش مؤثر (انعطاف پذیری در نقش ها، وظیفه محور نبودن نقشها). خانم شماره ۳: چون همسرم اکثر اوقات سر کار هست و مشغله کاری زیادی دارد کارهای ایشان را من انجام می دهم. قسط وام را خودم پرداخت می کنم خرید خانه و وسایل مورد نیاز بچه ها را خودم انجام می دهم.

۹. مدیریت مالی (تلاش برای تأمین نیازهای مالی خانواده، وحدت مالی، داشتن برنامه مالی مناسب). نداشتن مشکلات مالی و اقتصادی جدی یکی از ویژگی های ازدواج های موفق است. شاید یک زوج موفق در برهه ای از زمان درگیر مشکلات مالی و اقتصادی شوند، ولی در طول زمان موفق به حل این مشکلات می شوند و با هم رشد خواهند کرد. مسأله مهم دیگر، داشتن توافق در زمینه مسائل شغلی و اقتصادی است که زوج های موفق نیز در این زمینه با همدیگر اختلاف نظر جدی ندارند. آقای شماره ۳: من راننده هستم، حقوق و مزایای من کم است اما خدا را شکر همسرم کم توقع است؛ نسبت به خواهرای دیگرش خیلی کم خرج است؛ با نداری من خوب ساخته و خوب برنامه ریزی کرده است.

۱۰. رشد خود و همسر (تشویق همسر به برنامه ریزی، تشویق همسر به رشد و پیشرفت، تلاش برای موفقیت و رشد خود در زمینه تحصیلات و شغل، تقویت نقاط قوت همدیگر، قدردانی و سپاس گزاری). آقای شماره ۱۳: بهش کمک کردم؛ از بچه ها مراقبت کردم و سختی های زیادی کشیدم تا خانمم ادامه تحصیل بدهد. الان هم دارد درس می خواند و خود را برای آزمون دکتری آماده می کند.

۳.۲.۳ عوامل مربوط به خانواده اصلی

سومین عامل میانجی در این تحقیق شاخصهای مربوط به خانواده اصلی زوجین بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است.

۱. حریم سازی و مرز سازی زوجی (اجازه ندادن به دخالت‌های بی مورد دیگران، استحکام مرز های خانواده، استقلال در تصمیمات دوتایی، حفظ اسرار زوجی از دیگران، ابراز نکردن مشکلات به بیرون، بی توجهی به دخالت های بی مورد خانواده ها، ایجاد سیستم مستقل زوجی، عدم انتقال مسائل به فرزندان). خانم شماره ۳: ما اصلاً مسائل شخصی و خانوادگی خود را با خانواده هامون در میان نمی گذاریم چون ما می توانیم آن‌ها را حل کنیم ولی اگر این مسائل را با آنها در میان بگذاریم روی آن‌ها تأثیر منفی می گذارد.
۲. حمایت خانواده ها از زوجین در زمینه های مختلف از جمله مالی، عاطفی، حمایت در کارهای منزل، حمایت در نگهداری و تربیت فرزندان) خانم شماره ۶: خانواده شوهرم، در نگهداری و مراقبت از پسرم خیلی به من کمک می کردند. سال های اول ازدواج مان از لحاظ مالی در مظیقه بودیم و خانواده هامون ما را حمایت می کردند.
۳. حمایت زوجین از خانواده ها (حمایت مالی، حمایت عاطفی، روابط صمیمی و حمایتی با خانواده‌ها و اعضای فامیل، احترام به جایگاه والدین، احترام به دیدگاه‌های خانواده های خود و همسر). خانم شماره ۵: پدرم بازنشسته است. توانایی تأمین امرار معاش خود و خانواده اش را ندارد. من و همسرم ماهانه در حد توانمان مقداری حمایت مالی به آن‌ها می کنیم. البته همسرم خودش خواهان این است که ما به آن‌ها کمک نکنیم و این در رضایت مندی از زندگی ما مؤثر می باشد.

۴.۲.۳ عوامل فرهنگی - اجتماعی

چهارمین عامل میانجی در این تحقیق شاخصهای مربوط به فضائل اخلاقی و معنوی زوجین بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است. فضائل اخلاقی و معنوی (همسانی باورهای دینی، تقیدات دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی). خانم شماره ۸: احترام خاصی برای بزرگترها قایل هستم، پدر و مادر شوهرم را خیلی احترام می‌کنم، لباس آنان را می شویم، روی حرف آنان حرف نمی‌زنم، و شوهرم نیز برای پدر و مادر من خیلی ارزش قایل است انگار که

پدر و مادر خودش است. پایبندی به هنجارها (احترام به هنجارها و ارزش های فرهنگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی). آقای شماره ۱۳: ما هر سال روز ازدواج خود را جشن می گیریم و ازدواج خود را محترم می شماریم.

۵.۲.۳ عوامل والدینی

پنجمین عامل میانجی در این تحقیق شاخصهای مربوط به عوامل والدینی بوده است که در ازدواج موفق تأثیر داشته است. زمانی که زوج ها تصمیم می گیرند که بچه دار شوند، باید فضای روانشناختی رابطه را برای پرورش فرزند آماده کنند. این فضا باید به گونه ای در زوج آمادگی ایجاد کند که بتواند ضمن پرورش فرزند از ایجاد لطمه به رابطه خود جلوگیری کنند. در این شرایط انعطاف پذیری نقش زوج ها ضروری است زیرا رابطه زوج با به دنیا آمدن فرزند تغییر کرده و شکل جدیدی به خود می گیرد. خانم شماره ۱۱ می گوید: داشتن بچه، زندگی ما را هدفمند کرده است. من و شوهرم با تولد فرزندانمان تلاش کردیم تا آنها را به خوبی تربیت کنیم تا آنها نیز مثمر ثمر باشند، آنها ثمره زندگی ما هستند.

۳.۳ راهبردهای حل تعارض

۱.۳.۳ راهبردهای مؤثر حل تعارض میان زوجین

زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که دچار تعارض می شدند از روشهایی زیر برای حفظ رابطه استفاده می کردند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. جبران (بی اعتنایی نکردن، قهر نکردن): آقای شماره ۱۰: وقتی در رابطه زن و شوهری ما مشکل ایجاد می شود ما با همدیگر قهر نمی کنیم، منتظر نمی مانم تا او با من صحبت کند من پیش قدم می شوم و با ایشان صحبت می کنم. در این مواقع همسرم احساس می کند که کمتر مورد بی اعتنایی واقع می شود.

۲. برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی: خانم شماره ۲: یکبار ماشین مان دست برادر شوهرم بود ایشان در حین آمدن به خانه تصادف کرد و خودش هم مقصر بود، شوهرم خیلی ناراحت شد و خواست با ایشان دعوا کند، اما من با شوهرم صحبت کردم که

اتفاق پیش می‌آید، خدا رو شکر که خودش آسیب ندید و مقداری از طلاهایم رو فروختم و ماشین را درست کردیم.

۳. بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی: خانم شماره ۱۰: من و همسر به کسی اجازه دخالت درمسایل خصوصی زندگی مان را نمی‌دهیم، وقتی برسر موضوعاتی باهم بحث می‌کنیم خودمان باهم کنار می‌آییم.

۴. حفظ خونسردی در موقع مشکلات: خانم شماره ۳: در اوایل ازدواج مان وقتی که فرزند اولمان به دنیا آمد از لحاظ مالی وضع خوبی نداشتیم، وقتی که بیمار می‌شد من و همسر خونسردی خود را حفظ می‌کردیم و برخدا توکل داشتیم و هیچ وقت برسر همدیگر داد نمی‌کشیدیم.

۵. گفتن خواسته‌های خود به همسر به طور مستقیم: خانم شماره ۱۱: من همیشه مسایل و اتفاقاتی که در زندگی روزمره مان می‌افتد با شوهرم در میان می‌گذاشتم، هیچ وقت نشد که من خواسته‌های خود را با واسطه شخص دیگری به شوهرم انتقال دهم و همسر هم با من خیلی صادق است.

۶. کوچک شمردن مشکلات: زوجین موفق که در این تحقیق شرکت داشتند بیان می‌کردند که مشکلات هیچ‌گاه در رابطه زوجی ما خللی ایجاد نکرد و اعتقاد داریم که مشکلات حل می‌شوند.

۷. کنار آمدن و سازگار شدن (پذیرفتن کاستی‌ها و تفاوت‌ها، مسائل را بیش از حد بزرگ نکردن): بعضی از زن و شوهرها وقتی با هم قهر هستند حالت دفاعی می‌گیرند. در این مواقع هر دو نفر مسولیت خود را نادیده گرفته و خود را تبرئه می‌کنند و همچنین ممکن است از روش‌هایی مثل شکایت دو طرفه استفاده کنند. در این حالت زوج روزگار سختی را می‌گذرانند. خانم شماره ۱۲: خیلی از خانم‌ها حساس هستند که اول باید بریم خانه پدر من بعد بریم خانه پدر شما، من اصلاً اینطور نیستم، روی چنین مسائلی اصلاً حساس نیستم و رعایت کردن چنین مواردی هم به رابطه زوجی ما خیلی کمک کرده است.

۸. اطمینان دادن (اعتقاد به این که قصد و نیت همسر خوب است، شوخی کردن، نادیده گرفتن اشتباهات همسر): خانم شماره ۷: گاهی وقتاً رفتارهای مخالف خواست یکدیگر داشتیم، به ایشان احترام می‌گذاشتم و هرگز حس نمی‌کردم که همسر دشمن من

و خانواده ام است و اطمینان داشتم که ایشان قصد آزار دادن من را ندارد. زوجین اگر به نیت انجام عمل از طرف همسر توجه داشته باشند، رفتارهای او آزار دهنده نخواهد بود.

۹. حمایت های اجتماعی (کمک گرفتن از بزرگترها، مطالعه کردن): خانم شماره ۸: اوایل که فرزند بزرگترم به دنیا آمد دچار استرس بچه داری شده بودم از مادرم کمک می گرفتم و کتاب های فرزند پروری مطالعه می کردم. خدا را شکر توانستم بر این مشکل غلبه پیدا کنم. الان هم با همسر در تربیت فرزند دوم مشکلی نداریم.

۲.۳.۳ راهبردهای کارآمد حل تعارض میان زوجین و خانواده‌های اصلی

زوجین موفق بیان داشتند در مواقعی که با خانواده خود دچار تعارض می شدند از برخی راهبردها برای حل تعارض میان خود و خانواده ها استفاده می نمودند که عبارتند از: پذیرش نواقص خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر.

۱.۲.۳.۳ حمایت از همسر در مقابل خانواده

زوجین حاضر در تحقیق بیان داشتند که زمانی که خانواده هاشون با یکی از آنها رفتار بدی داشته اند از همدیگر حمایت می کردند. خانم شماره ۱: اوایل ازدوایمان مادر شوهرم خیلی بامن دعوی می کرد به خاطر مشکلات مالی که داشتیم کلاس خیاطی می رفتم. مادرشوهرم می گفت خونه خودتون خیاط نشد، اینجا می خواد خیاط بشه اما شوهرم از من حمایت می کرد.

۲.۲.۳.۳ رعایت کردن فاصله با توجه به موقعیت‌ها

زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان نمودند که گاهی وقت‌ها فضای بین خود و خانواده ها را تنظیم می کردند تا منظومه زوجی آسیب نبیند. آقای شماره ۵: خانواده همسرم رابطه خیلی خوبی با ما دارند اصلا با ما مشکلی ندارند، حتی هفته ای یکبار به خانه ما می آیند و ما نیز به خانه آنها می رویم، اما چون ما در یک جامعه سنتی زندگی می کنیم و بعضی از خانواده‌ها اعتقاد دارند که کمک کردن به خانم و انجام کارهای زنانه مثل ظرف شستن یا عوض کردن لباس بچه کار خانم ها است و مرد نباید به زن در انجام چنین کارهایی کمک کند سعی می کنم که خانمم با آنها بحث نکند و خودم با خانواده ام صحبت می کنم و مشکل را حل می کنم.

۳.۲.۳.۳ پذیرش نواقص و کاستی‌های خانواده همسر

شرکت کنندگان بیان داشتند که از زمان ازدواج شان تاکنون، نقائص و کمبود هایی از طرف خانواده های خود داشته اند که آنها را پذیرفته بودند و با آنها کنار آمده بودند. خانم شماره ۵: خانواده همسر من شیوه برخورد مناسبی با من نداشتند، از لحاظ سطح سواد و پایگاه اجتماعی پایین بودند. ولی خدا را شکر همسر من فهمیده و با شخصیت است و به من می‌گفت که چه برخوردی با آنها داشته باشم.

۴.۲.۳.۳ چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر

خانم شماره ۶ وقتی با خانواده همسر من به کم دلخوری پیش می‌آمد، همسر من به من می‌گفت که این بحث‌ها در همه خانواده‌ها پیش می‌آید. خودتو ناراحت نکن و من هم به حرف‌هایش گوش می‌دادم و زیاد حساسیت نشان نمی‌دادم.

۵.۲.۳.۳ قهر نکردن با خانواده‌های خود

زوجین شرکت کننده در تحقیق بیان داشتند که مواردی که با خانواده همسر خود اختلافی پیش می‌آمد با آنها قهر نمی‌کردیم و ارتباط خود را قطع نمی‌کردیم.

جدول ۲. کدهای حاصل از مصاحبه‌ها و مراحل تحلیل آن

کدهای باز	کدهای انتخابی	کدمحوری
عشق و علاقه اولیه، آمادگی داشتن برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همرا با میل، انتخاب آگاهانه، استقلال نسبی	همسرگزینی آگاهانه و مبتنی برشناخت	نگهداری رابطه و تداوم زندگی
خودآگاهی، دلسوز بودن و مهربانی، مسئولیت پذیری، انعطاف پذیری، صداقت، خوش بینی، پختگی هیجانی	ویژگی های شخصی	
عشق و تعلق خاطر، اطمینان بخشی، درک متقابل، رضایت جنسی، مشارکت و همکاری، ارتباط مؤثر، مدیریت تعارض، تصمیم گیری کارآمد، ایفای نقش موثر، رشد خود و همسر	عوامل زوجی	
حریم سازی و مرز سازی زوجی، اجازه ندادن به دخالت‌های بی مورد دیگران، استحکام مرز های خانواده، استقلال در تصمیمات دوتایی، حفظ اسرار زوجی از دیگران، ابراز نکردن مشکلات به بیرون، بی توجهی به دخالت های بی مورد خانواده ها، ایجاد سیستم مستقل زوجی، عدم انتقال مسائل به فرزندان، حمایت خانواده ها از زوجین، حمایت خانواده ها از زوجین	عوامل مربوط به خانواده اصلی	
فضائل اخلاقی و معنوی، همسانی باورهای دینی، پایبندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی	عوامل فرهنگی اجتماعی	
نقش مثبت فرزند، کمک فرزندان به والدین، کمک والدین به فرزندان	عوامل والدینی	

عذرخواهی کردن، قهر نکردن، برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی، بی‌اعتنایی به اختلافات جزئی، حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات، گفتن خواسته‌های خود به همسر به‌طور مستقیم، کوچک شمردن مشکلات، کنار آمدن و سازگار شدن، اطمینان دادن، حمایت‌های اجتماعی	راهنماهای مؤثر حل تعارض میان زوجین
پذیرش نواقص و کاستی‌های خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده‌های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، نادیده گرفتن اشتباهات خانواده همسر، حفظ حریم‌ها و رعایت کردن مرزها	راهنماهای مؤثر حل تعارض زوجین با خانواده اصلی
رضایت از همسر، رضایت از خود، رضایت از فرزندان	رضایتمندی از زندگی

۴.۳ رضایتمندی از زندگی

نتیجه و پیامد حرکت و تلاش در جهت نگهداری رابطه زوجی، رضایت داشتن از زندگی است. که شامل رضایت داشتن از خود، رضایت داشتن از همسر و رضایت داشتن از فرزند است. خانم شماره ۱: هنگامیکه ازدواج کردم ۲۰ سالم بود. در اوایل ازدواج سختی زیادی کشیدم اما همیشه امیدوار بودم. اگر هزار بار دیگه به دنیا بیام دوباره با همسرم ازدواج می‌کنم، از زندگی ام راضی هستم. یکی از عواملی که موجب احساس خوشبختی ازدواج می‌شود دیدن نتیجه ازدواج است.



شکل ۱. الگوی ازدواج موفق

۴. نتیجه‌گیری

هدف کلی پژوهش حاضر کمک به فهم بیشتر پدیده ازدواج موفق است. اهداف فرعی این پژوهش نیز شناسایی عوامل ازدواج‌های موفق از دیدگاه زوجین موفق ساکن شهر یاسوج به منظور ارائه مدلی از ازدواج موفق می‌باشد. در این تحقیق حرکت در جهت نگهداری رابطه و تداوم زندگی مقوله مرکزی پژوهش بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که لازمه ازدواج موفق، داشتن شرایطی می‌باشد از جمله شرایط علی، که در این پژوهش همسرگزینی مبتنی بر شناخت و آگاهانه بود که شامل عواملی همچون عشق و علاقه اولیه، آمادگی نسبی برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل، انتخاب آگاهانه و استقلال نسبی می‌باشد. شرایط میانجی در این پژوهش در پنج سطح بررسی شد که شامل عوامل فردی، عوامل زوجی، عوامل فرهنگی-اجتماعی و عوامل خانواده اصلی و عوامل والدینی می‌باشد. راهبردهای حل تعارض در دو دسته راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض میان زوجین و خانواده اصلی آنها بررسی شد. پیامد نهایی پژوهش رضایت از همسر، رضایت از فرزند و رضایت از خود بود که در نهایت رضایتمندی از زندگی را به دنبال داشت.

در ادامه به تبیین یافته‌های این پژوهش پرداخته می‌شود. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های اکثر پژوهش‌های دیگر مخصوصاً پژوهش‌های داخل که در زمینه ازدواج موفق صورت گرفته همسو و همخوان است. همانگونه که یافته‌ای این پژوهش نشان داد، همسرگزینی مبتنی بر شناخت و انتخاب آگاهانه از شرایط علی تاثیر گذار در ازدواج موفق بود. این شرایط در پژوهش فعلی شامل کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی برای ازدواج، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل، انتخاب آگاهانه، استقلال نسبی در ازدواج بودند. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های دیگر از جمله یافته‌های حاتمی و رزانه (۱۳۹۵)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، منصوری نیا و همکاران (۱۳۹۰)، صاحب‌دل و همکاران (۱۳۹۴)، خدادادی و همکاران (۱۳۹۳)، کاسلو و رابینسون (۱۹۹۶)، همسو و همخوان است.

در سطح فردی همان گونه که یافته‌های این پژوهش نشان داد، زوجین موفق، ویژگی‌های شخصی رامطرح کردند که در رضایت از ازدواج شان موثر بود. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به خودآگاهی، دلسوز بودن و مهربانی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، صداقت، پختگی هیجانی اشاره کرد. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های

انجام شده در داخل و خارج همسو همخوان است از جمله: در ویژگی مسئولیت پذیری (کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳) خودآگاهی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵، انعطاف پذیری (اینگرام، ۲۰۱۰، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، باچندوکارون، ۲۰۰۱)، صداقت (کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵، فنل، ۱۹۹۳)، پختگی هیجانی (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۵)، دلسوزی و مهربان بودن (حاتمی و رزانه و همکاران، ۱۳۹۵) همسو و همخوان است.

در سطح زوجی، زوجین موفق بیان داشتند که از ویژگی های خاصی برخوردار بودند که در رضایت از ازدواج شان تأثیر زیادی داشته است. از جمله این ویژگی ها می توان، عشق و تعلق خاطر، اطمینان بخشی، درک متقابل، رضایت جنسی، مشارکت و همکاری، مدیریت تعارض، تصمیم گیری کارآمد، ایفای نقش موثر، رشد خود و همسرو ارتباط مؤثر را نام برد. یافته های این بخش از پژوهش نیز با یافته های اکثر پژوهشهای داخل و خارج همسو و همخوان است از جمله، عشق و تعلق خاطر نسبت به همدیگر (با چند و کارن، ۲۰۰۱، دیکسون، ۲۰۱۳، بروکز، ۲۰۰۶) اطمینان داشتن نسبت به همدیگر (شریسا، ۲۰۱۴)، درک متقابل (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۹، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، با چند و کارون، ۲۰۰۱) رضایت جنسی، (اینگرام، ۲۰۱۰، بروکز، ۲۰۰۶، و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) مشارکت و همکاری، مدیریت تعارض (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۲، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، اینگرام، ۲۰۱۰)، ارتباط مؤثر (خدادادی سنگده و همکاران، ۱۳۹۳، با چند و کارون، ۲۰۰۱، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) تصمیم گیری کارآمد، ایفای نقش کارآمد، مدیریت مالی (اینگرام، ۲۰۱۰، کرایبی و همکاران، ۱۳۹۵، فتحی و همکاران، ۱۳۹۵) رشد خود و همسر (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵).

در سطح خانوادگی یعنی تعاملات بین زوجین و خانواده ها، زوجین موفق با حفظ حریم و ابراز نکردن مشکلات به خانواده ها تجربه رابطه موفق داشتند. همچنین حمایت خانواده ها از زوجین در زمینه های مالی، عاطفی، فرزند پروری، امور منزل، از عوامل موفقیت آنها در ازدواج بود. همچنین زوجین موفق بیان کردند که آن ها نیز گاهی مواقع به خانواده های خود در ابعاد مالی و عاطفی کمک می نمودند. برخورداری زوجین از این شبکه حمایتی می تواند در مواقع لزوم در کمک به آنها در حل مسائل مختلف سودمند واقع شود و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند. براین اساس هرچه زوج روابط گرم و صمیمانه ای با خانواده اصلی خود

و همسرشان داشته باشد با اقوام خود رفت و آمد کنند و شبکه های حمایتی دوستان و همکاران بیشتری داشته باشند و یا ادراک حمایتی بیشتری از سوی همسر، خانواده، آشنایان و همکاران خود داشته باشند، رضایت بالاتری از ازدواج را تجربه می کنند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های پژوهش فاطیما واجمل (۲۰۱۲)، گاتمن ولونسون (۲۰۰۲) بویور (۲۰۰۶)، حاتمی ورزنه و همکاران (۱۳۹۵) فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۳) همسو و همخوان است. و با پژوهش دانگ و شیائو (۲۰۱۰) مطابقت و همخوانی ندارد. در پژوهش حاضر در ازدواجهای موفق خانواده های اصلی نقش مثبتی در زندگی زوجین داشتند در مسائل خانوادگی و شخصی زوجین دخالت نمی کردند و در مواقعی که مشکلاتی داشتند واز آنها تقاضای کمک می کردند آنها را راهنمایی می کردند و به آنها کمک می کردند. و زوجین با الگوگیری درست از آوردن مشکلات خانواده های اصلی به خانواده خود جلوگیری می کردند و همچنین با کمک و احترام به خانواده اصلی منبع انرژی بخشی را برای واحد زوجی فراهم می کردند که به رضایت و دوام رابطه منجر می شود.

در سطح چهارم یعنی عوامل اجتماعی- فرهنگی، ارزش‌ها، فرهنگ و مذهب از خصوصیات عمده درون بافت ازدواج‌ها است. این مفاهیم با فعالیت‌هایی که زن و شوهر با هم انجام می دهند ارتباط داشته و بر آن تأثیر می گذارند زمانی که زن و شوهر در این زمینه به طور معناداری با هم تفاوت داشته باشند، میزان طلاق افزایش و رضایت و ثبات زناشویی کاهش می یابد (لهر، ۲۰۰۶). داناون (۲۰۰۴) شناخت فرهنگ طرف مقابل و داشتن اهداف مشترک و نگرش های مذهبی مشابه باعث تداوم ازدواج و رضایت مندی زوج‌ها در طول زمان می شود.

داشتن اعتقادات و باورهای مشترک باعث می شود که نقاط اشتراک رابطه‌ی آنها افزایش یافته و حمایت معنوی بیشتری از یکدیگر در طول زمان داشته باشند. حتی گاهی اوقات، توافق در این زمینه ها بر افزایش صمیمیت نیز اثرگذار خواهد بود. طی مصاحبه با زوجین، باور مشترک باعث نزدیکی آنها یا باعث تقویت پیوند ازدواج می شود.

همانندی های قومی، فرهنگی، طبقه ی اجتماعی، مذهب مشترک، ارزش های مشترک، و سطح تحصیلاتی مشابه و علایق مشترک بنیان و پایه‌ی استواری برای ایجاد زندگی مشترک است. در مورد علاقه‌ی مشترک منظور این نیست که دو نفر به همراه هم یک علاقه را دنبال کنند، بلکه ممکن است به طور فردی به آن بپردازند اما هر دو نفر به آن حوزه

علاقه‌مند باشند. البته همه آنچه که گفته شد، به این معنی نیست که اگر در برخی حوزه‌ها با هم تفاوت داشتند؛ الزاماً روابط آنها پایدار و موفق نخواهد بود. بلکه افرادی هستند که علی‌رغم تفاوت در برخی از زمینه‌ها، ازدواج موفق داشته‌اند. اما به طور عام هر چه مشترکات بیشتر باشد زندگی و ارتباط راحت‌تر و آسان‌تر خواهد بود. در تبیین این یافته باید گفت که داشتن ارزش‌ها، فرهنگ و تجارب معنوی مشترک عامل بسیار با اهمیتی است. زوجین موفق در بیان عوامل تداوم ازدواج‌های طولانی مدت رضایت‌مند، بر مواردی مانند، همسانی باورهای دینی، اعتقادات دینی، پابندی به اخلاقیات، پرهیز از حسادت به دیگران، پرهیز از کینه و انتقام‌جویی، توکل به خدا، نوع دوستی، عدم مدگرایی، همسانی فرهنگی، کمک به دیگران، نقش مثبت خدا در زندگی، احترام به هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، رعایت فرهنگ عفاف و حجاب، مقدس دانستن ازدواج، پیروی از احکام دینی، اشاره کردند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش آماتو (۲۰۰۰)، هاستون (۲۰۰۰)، گریف و ملهرب (۲۰۰۱) گاتمن و نوتاریس (۲۰۰۲)، اینگرام (۲۰۱۰) کاسلوو راینسون (۱۹۹۶)، بروکز (۲۰۰۶)، فنل (۱۹۹۳) باچندوکارون (۲۰۰۱)، (لهر، ۲۰۰۶)، فاطیما و اجمل (۲۰۱۲)، صاحب‌دل و همکاران (۱۳۹۳)، خدادادیو همکاران (۱۳۹۳)، کریمی ثانی و همکاران (۱۳۹۱)، حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۵)، خجسته مهر و محمدی (۱۳۹۵)، کرایبی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت و همخوانی دارد. آنچه در این قسمت از پژوهش تازگی دارد این است که مقبولیت اجتماعی با کیفیت ارتباط فرد با اقوام، همسایگان و آشنایان ارتباط نزدیکی دارد. برخورداری فرد از این شبکه‌های حمایتی می‌تواند در مواقع لزوم در کمک به فرد و خانواده برای حل بهتر مسائل پیش رو نقش فعالی داشته باشد و فرصت حضور بیشتر در کنار دیگران و بهره بردن از مزایای روابط اجتماعی سالم را ایجاد کند.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز ازدواج موفق براساس نمونه مورد مطالعه در پژوهش حاضر عوامل والدینی بودند. در این پژوهش در ازدواج‌های موفق، فرزند دارای نقش مثبتی بود و از سوی دیگر والدین متناسب با سن به فرزندان خود آموزشهایی می‌دادند که به شکل‌گیری مهارتهایی در فرزندان منجر می‌شد. زوجین موفق بیان داشتند که در تربیت فرزندان هماهنگ بودند و فرزندان‌شان هم رابطه خوبی با والدین دارند. زوجین موفق بیان داشتند که در بعضی موارد که اختلافی با فرزندان‌شان داشتند با مشورت همدیگر آن را حل می‌کردند. همچنین زوجین موفق بیان داشتند که از عملکرد فرزندان‌شان مخصوصاً در امور تحصیلی راضی هستند. همان‌طور که از مصاحبه با زوجین موفق آمده است زوجینی

که سالهای بیشتری از ازدواج شان گذشته است فرزندانشان در رشته های خوب پذیرفته شده اند و در مدارس هم عملکرد خوبی دارند. بنابراین می توان گفت که زیر منظومه والدینی در این ازدواجها کارآمد بود. به عنوان مثال خانم شماره ۵ در این زمینه می گوید: داشتن بچه، زندگی ما را هدفمند کرده است. من و شوهرم با تولد فرزندانمان تلاش کردیم تا آنها را به خوبی تربیت کنیم تا آنها نیز مثر ثمر باشند، آنها ثمره زندگی ما هستند. نتایج این قسمت از پژوهش در رابطه با نقش عوامل والدینی و وجود فرزند در ازدواج موفق، با نتایج پژوهش باچند و کارون (۲۰۰۱)، نیمتز (۲۰۱۱)، فاطیما واجمل (۲۰۱۲)، فتحی و همکاران (۱۳۹۵)، حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۴)، خدادادی سنگده و همکاران (۱۳۹۳) کاسلو و رایبسون (۱۹۹۶)، دیکسون (۲۰۱۳)، لی و فانگ (۲۰۱۱) مطابقت و همخوانی دارد.

همچنین زوج های موفق شرکت کننده در این تحقیق بیان داشتند که گاهی مواقع در زندگی زناشویی خود تعارضاتی پیش می آمد که در مواجهه با این تعارضات و حفظ رابطه از روشهایی استفاده می کردند. شیوه ها و راهبردهای حل تعارض در دوسطح راهبردهای حل تعارض میان زوجین و راهبردهای حل تعارض زوجین با خانواده اصلی بررسی شد. زوجین موفق از راهبردهای عذرخواهی کردن، قهر نکردن، برنامه ریزی برای مبارزه با مشکلات احتمالی، بی اعتنایی به اختلافات جزئی، حفظ تعادل عاطفی در مواقع بروز مشکلات، گفتن خواسته های خود به همسر به طور مستقیم، کوچک شمردن مشکلات، کنار آمدن و سازگار شدن، اطمینان دادن، حمایت های اجتماعی استفاده می کردند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های پژوهش درایور و گاتمن (۲۰۰۴)، کریمی ثانی و احیایی (۱۳۹۰)، دهل و لندرز (۲۰۰۵) همسو و همخوان است. زوجین موفق برای حل تعارضات با خانواده اصلی از راهبردهای پذیرش نواقص خانواده همسر، قهر نکردن با خانواده های خود، حمایت از همسر در مقابل خانواده خود، چشم پوشی از خطاها و اشتباهات خانواده همسر، رعایت کردن فاصله با توجه به شرایط استفاده می کردند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های پژوهش حاتمی و رزنه و همکاران (۱۳۹۵) و فتحی و همکاران (۱۳۹۵) همسو و همخوان است. در نهایت در مقایسه با تحقیقات کیفی گذشته در زمینه ازدواج موفق می توان گفت پژوهش حاضر نتایج تحقیقات گذشته را در زمینه عوامل موثر در ازدواج موفق را تکرار کرده است؛ اما تحقیق حاضر مکمل تحقیقات گذشته است و به عوامل بیشتری در مقایسه با تحقیقات گذشته اشاره کرده است. پژوهش حاضر به عوامل

فرهنگی و اجتماعی نیز پرداخته است. این عوامل در ازدواج موفق شامل عوامل اخلاقی، معنوی و مذهبی، بوده است. در پژوهش حاضر هم از مردان و هم زنان استفاده شد که به تفاوت‌های جنسیتی نیز در ازدواج موفق اشاره شده است.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج موفق پدیده‌ای چند بعدی بوده که با روش‌های کمی محدود نمی‌توان به خوبی در مورد آن قضاوت کرد. ایجاد ازدواج موفق و پایدار، به آسانی حاصل نمی‌شود و مستلزم داشتن شرایط و عوامل متعددی می‌باشد که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره شد. این پژوهش به نوبه خود با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی - اقتصادی شهر یاسوج بودند، لذا تعمیم این نتایج به همه خانواده‌های ایرانی مستلزم رعایت احتیاط است. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافتهای دیگر و فرهنگهای دیگر کشورمان و با نمونه‌های دیگر تکرار شود. این پژوهش مضامین مهمی برای متخصصان حوزه ازدواج و خانواده و زوجین دارد. با توجه به عوامل شناسایی شده، نتایج پژوهش حاضر به صورت راهنما و موارد با اهمیت در کارگاههای آموزش زوجها یا مراکز پیش از ازدواج ترویج داده شود.

کتابنامه

- بهشتیان، محمد. (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول»، جامعه پژوهی فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۵، ۲۱-۱.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۴). «ارائه الگوی ازدواج: پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند تئوری». مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۳۹۵، شماره ۶، ۱۴۹-۱۲۰.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۵). «بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی) مطالعه کیفی» (فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۳۹، ۳۵-۷.
- خجسته مهر، رضا؛ محمدی، زرنگار؛ «تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی». مجله روانشناسی خانواده، ۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۲، ۷۰-۵۹.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش؛ حسینی، جعفر؛ (۱۳۹۳). «شناسایی شاخصهای ازدواج موفق: مطالعه‌ای کیفی واکتشافی». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۲۵، ۲۸-۹.

دیباچی فروشانی، فاطمه سادات؛ امامی پور، سوزان؛ محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). «رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان»، مجله اندیشه و رفتار، دوره سوم شماره ۱۱ بهار ۱۳۸۸.

فتحی، الهام و همکاران (۱۳۹۵). «ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده بنیاد». فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناسی، دوره دوازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵.

فتحی، الهام و همکاران (۱۳۹۴). «حیطه های تعارض و استراتژی های حل آن در زوجین رضایتمند». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ششم، شماره ۲۴.

صاحب‌دل، حسین؛ زهراکار، کیانوش؛ دلاور، علی (۱۳۹۴). «شناسایی شاخص های ازدواج موفق، یک مطالعه کیفی». پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۵(۲)، ۴۶-۳۲.

کرایی، امین؛ خجسته مهر، رضا؛ سودانی، منصور؛ و اصلانی، خالد؛ (۱۳۹۵). «شناسایی عوامل مؤثر در ازدواجهای پایدار رضایتمند در زنان». مجله مشاوره و روان درمانی خانواده، ۶، ۱۶۴-۱۲۹.

Bachand, L. & Caron, S. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. *Contemporary Family Therapy*, 23(1).

Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 76.

Dixon, D. C. (2013). Christian spirituality and marital health: A phenomenological study of long-term marriages. A doctoral dissertation in counseling. Liberty University.

Donovan, S. (2004). Stress and coping techniques in successful marriage. Thesis submitted to the faculty of the Virginia Polytechnic institute and State marriage, happy life? University in partial of the requirements for the degree of M.A.

Dung Le, T. M. (2008). Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.

Esere, M. O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (2014). Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria, *Journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114: 584 – 592.

Fatima, M., & Ajmal, M. A. (2012). Happy Marriage: A qualitative study. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9, 37-49.

Fenell, D. L. (1993). Characteristics of long-term first marriage journal of mental health counseling. 15, 446-460.

Ingram, J.R. (2010). Money stories of successful long-term married couples. Pro Quest Dissertations and Theses. Texas woman's university.

Karimi Sani, P., Smaily, M., Falsafinejad, M.R., Shafiabadi, A., Farahbakhsh, K., Ahiaii, K. (2010). Providing the content of premarital counselling based on identifying spiritual and moral factors that predict successful marriage in tabrizian couples. *Journal of women and family studies*, 7, 121-132.

- Long, L., Yang, M.(NS). Counseling and treatment issues in couple. Translator, Nazari A, Khodadadi J, Asadi.
- Mohsen Zadeh, F., Nazari, A., & Arefi, M. (2010). father's family Experiences and perceptions of hostile marital conflicts. Counseling research, 1 (38): 7-24. (Persian).
- Nazare, B., Fonseca, A., Gameiro, S., & Canavarro, M. C. (2011). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples' decision-making process. Contemporary Family Therapy, 33:128–142.
- Nimtz, Mark A.(2011).satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage:a phenomenological study. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Segrin,C.&Flora,J.(2005).Family communication.London:Lawerence Erlbaum associates publishers.
- Strauss A.L, Corbin J.M. (1990). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. California: SAGE Publications, Inc.